



برخی گروه‌ها و مقامات عراق خواستار شدند

مجازات شرکای عراقی ترور سردار سلیمانی

سه‌شنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۱ - ۲۱ ذی‌قعدة ۱۴۴۳ - ۲۱ ژوئن ۲۰۲۱

افزایش احتمال ورود اوکراین به اتحادیه اروپا اختلافات را تشدید کرد

تقابل مسکو - واشنگتن در فاز شدید

همدلی! تشدید رویارویی ایالات‌متحده آمریکا و روسیه، آینده روابط بین‌الملل را با تهدیدات گسترده جدیدی مواجه کرده است. این در حالی است که وضعیت فعلی روابط روسیه و آمریکا هم‌اکنون در پایین‌ترین سطح قرار دارد. تا آنجا که معاون شورای امنیت روسیه آن را در حد صفر مطلق، دانسته است. در همین حال باوجود آنکه دو کشور، پیشتر تمایل خود را برای مذاکراتی جدید بر سر تمدید معاهده کاهش تسلیحات استراتژیک جدید (استارت جدید) اعلام کرده بودند...

نمایندگان شکیبایت از مصوبات دو شورای عالی را ممنوع کردند

مجلس علیه عدالت اداری

کو تاکنون

- ۱ فصل‌ها، نسل‌ها و این چلوس نیم سوخته
- ۲ برگشته‌ام از سفر، سفر از من بر نمی‌گردد
- ۳ عبدالعزیز فرمان‌ماریان، معمار بناهای مدرن ایران
- ۴ نامه نانو نوشته آدمی
- ۵ ترمیم سلول‌های قلب پس از سکنه
- ۶ با زن در مانی
- ۷ بانوی رکاب زن مشهدی تاریخ‌ساز شد
- ۸ سال‌روز کشتار پروین‌شستا در فرودگاه بنونس آیرس

شهر

روزنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران



وزیر صمت در یک قدمی استیضاح

دولت در آستانه دومین ترمیم

سال هفتم - شماره ۱۹۶۰ - ۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان

همدلی به بهانه آغاز فصل تابستان بررسی می‌کند

سفر؛ دور از دسترس خانوارها

همدلی! وقتی قیمت، نان، مسرغ، لبنیات و لوازم‌خانگی و اجاره مسکن و ... بالا می‌رود فراتر رفتن هزینه سیروسفر که در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرد اجتناب‌ناپذیر است. فشار اقتصادی، سفر به مفهوم سنتی آن را همراه با بلیت قطار یا هواپیما به تفریحاتی لوکس تبدیل کرده است.

همدلی از افزایش طلاق در سنین بالا گزارش می‌دهد

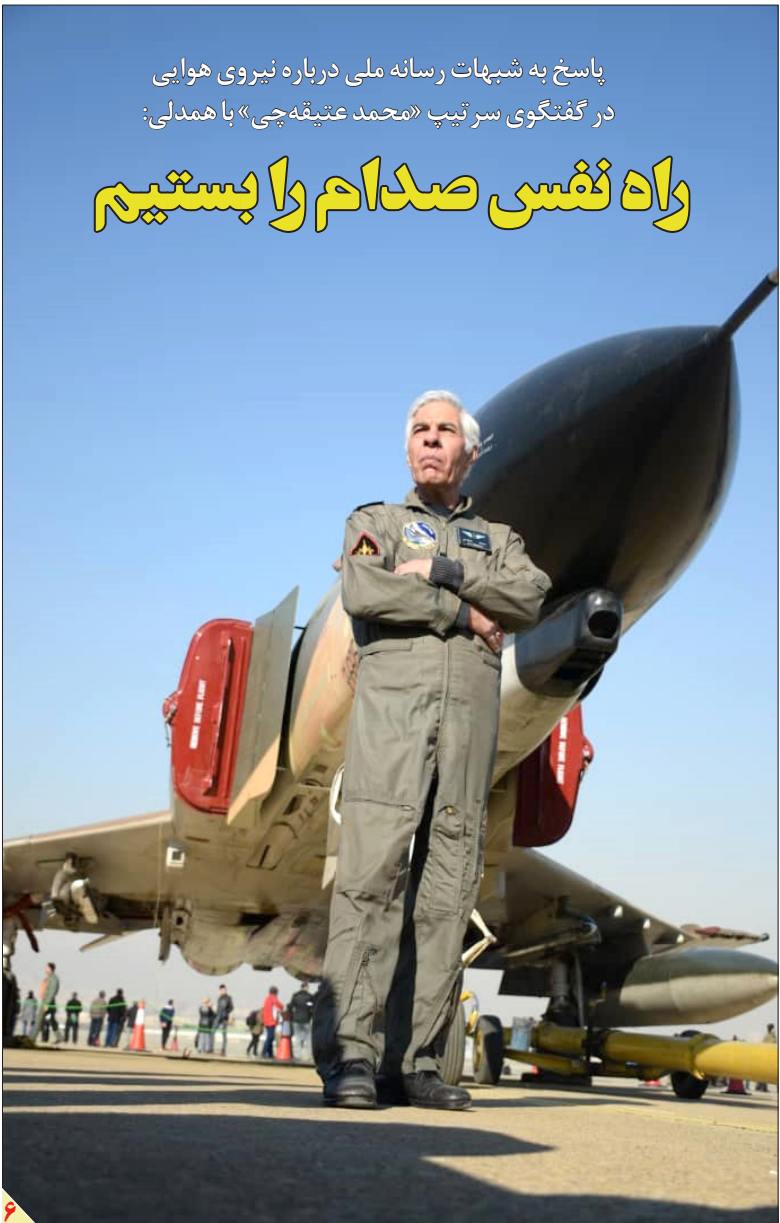
جدایی به وقت سالمندی

محسنی ازهای اعلام کرد؛

امور نمایشی در قوه قضاییه ممنوع!

وزیر کشور:

مردم در حاشیه قرار گرفتند



راه نفس صدام را بستیم

پاسخ به شبهات رسانه ملی درباره نیروی هوایی در گفتگوی سر تیب «محمد عتیقه‌چی» با همدلی:

رسانه ملی هر روز ابداع تازه‌ای از خبرسازی را به کارنامه خود اضافه می‌کند

جابه‌جایی مرزهای دروغ‌گویی

اگرچه در دو دهه اخیر کم‌دروغ نگفته، اما این روزها مرزهای دروغ‌گویی را جابه‌جا کرده است. روایتی از ناکارآمدی و دروغ‌گویی این رسانه در ادامه می‌آید: ما متولدین دهه شصت عمرمان به روزگاری که چهره‌ها و ستاره‌های پیش از انقلاب در تلویزیون ملی ایران حضور داشتند قد نمی‌دهد اما خوب یادمان هست دورانی را که نام‌های بلند و همچون مرضیه برومند، ایرج طهماسب، حمید جبلی، فاطمه معتمداری، بعدترها رضا عطاران، پرویز پرستویی و در همین اواخر عادل فردوسی‌پور در رسانه ملی برنامه‌های پر بیننده‌ای تولید می‌کردند و به اصطلاح کارهایی می‌ساختند کوچک‌خلوت‌کن!

شرح در صفحه ۷

همدلی! صداسویمای جمهوری اسلامی یا آن‌گونه که خود دوست دارد خوانده شود «رسانه ملی» مهم‌ترین عیبی را می‌گذراند. نه از آن جهت که در روزهای چهره‌ها قید همکاری با آن زده‌اند و نه از آن جهت که مردم سمت‌وسوی نگاهشان را از شیک‌های آن برگرفته و جذب رسانه‌هایی دیگر شدند، بلکه از آن‌رو که این رسانه بزرگ جثه و کوچک‌مغز بیش از گذشته به «دروغ» متوسل شده است. سخنان معاونت سیاسی خود درباره سوریه را در دهان رونالدو فوتبالیست مشهور جهان می‌گذارد و مردی را از خیابان‌های آبادان پیدا می‌کند از او می‌خواهد که در دروغ‌گویی‌اش شریک باشد و بگوید که تازه از زیر آوار بیرون آمده است. این رسانه قرینه

مصوبه جدید افزایش اجاره‌بها؛ قانونی که ضمانت اجرا ندارد

شوخی تلخ ۲۵ درصدی با مستاجران

پادداشت

حال بد مستأجران و مداخله بی‌فایده دولت

محمدجواد پهلوان مدرس دانشگاه

اقتصادی که سالم است خاصیت خود مراقبتی دارد و ابزارهای نظارتی در صورت لزوم می‌توانند در این اقتصاد کارکرد مؤثر داشته باشند؛ اما در یک اقتصاد رانتی، بیمار و دچار فسادهای زیردست، نه تنها اهرم‌های نظارتی مؤثر نیستند، بلکه می‌توانند شرایط را آشفته‌تر هم کنند.

مصدق و معیار عینی این موضوع را ما این روزها شاهد هستیم. وضعیت مستأجران کشورمان بسیار خطرناک است و به‌نوعی می‌توان گفت آنان زیر بار افزایش عجیب‌وغریب اجاره‌بها کمرشنان خم شده است. همین چند روز پیش خبری در رسانه‌ها آمد که اه از نهاد هر انسانی برمی‌آورد روزنامه‌نگاری که نگران میزان چند برابری افزایش اجاره‌بهای منزل خود بود، از حجم بالای استرس و اضطراب شش‌ب که خوابید دیگر صبح بلند شد و به دیار باقی شتافت. به همین راحتی و تلخی!

این دولت نیز مثل دولت‌های قبلی در چنین مواقعی به‌قصد مداخله در بازار وارد شده تا بتواند قدری شرایط را کنترل کند. گام اصلی دولت سیزدهم در این راستا تصویب محدودیت رشد ۲۵ درصدی اجاره‌بها در تهران و ۲۰ درصدی در شهرستان‌هاست. موافقان این مداخله می‌گویند همان‌طور که در کشورهای دیگر دنیا مثل کانادا دولت با مداخله مقابل هر چومرچ بازار اجاره‌بها ایستاد در کشورمان نیز دولت می‌تواند با دستور، ابلاغیه و قانون، شرایط را به نفع مستأجران متحول کند. لیکن مثل روز روشن است تجربه‌های موفق در کشورهای توسعه‌یافته اقتصادی در ایران پاسخگو نیست و به نتیجه نمی‌رسد.

گواه این مدعا تجربه‌های دولت‌های پیشین است. از بازار اجاره‌بها گرفته تا بازار ارز هر زمان دولت مداخله کرد شرایط وخیم‌تر شد یا اگر بهبودی هم حاصل شد موقتی بود. این در حالی است که در اقتصادهای پیشرفته دنیا تلاش می‌شود دولت نظار باشد نه مداخله‌گر و اگر هم نیاز به مداخله شد این دخالت ضابطه‌مند و علمی با بیشترین و حداکثرترین اثر گذاری است.

همین‌الان که افزایش ۲۵ درصدی اجاره‌بها مصوب شده و به تأیید سران قوا رسیده هم مشاوران املاک و هم صاحب‌خانه‌ها راههای دور زدن این قانون را ابداع و اجرایی کرده‌اند. رسیدن به این موضوع دشوار نیست. یک تماس با یک مشاور املاک گرفته و بگویید موخر هستمید و می‌خواهید خانه‌تان را اجاره دهید حداقل سه مسیر برای دور زدن قانون پیش پای شما گذاشته می‌شود تا بتوانید هر چقدر که زورتان می‌رسد میزان اجاره‌بها را افزایش داده تا از تورم عقب نیفتید. عرض اینجاست که مشکل اصلی جای دیگری است. حتی اگر بزرگ‌ترین و معتبرترین اقتصاددانان دنیا هم در این سیستم اقتصادی قرار گیرند راه به‌جایی نمی‌برند. نیاز به جراحی اقتصادی داریم البته نه این جراحی که در حال اجراست.

آگهی ابلاغ رای

آقای محمد قربان زاده

فرزند غلامعلی

مرکز اورژانس تهران

شناسه آگهی: ۱۳۳۶۵۶۶ م الف / ۱۱۳۶

شرح در صفحه آخر

پادداشت

مدیریت ایرانی؛ بازیچه لابی، قربانی سیاست

غلامحسین رنجبرها مدرس دانشگاه

هرچند ذائقه ملت شریف ایران با بحران‌زایی مکرر و شنیدن اخبار رویدادهای با طعم تلخ، سزاگار شده است لیکن چهره دل‌خراش رخداد متروپل، روح و روان ایرانیان میهن‌دوست و هم‌وطن پرست را از زرده ساخته و همدردی انسانی اکثریت مردم را به‌شدت برانگیخته است. حادثه ویرانگر متروپل گرچه محلی بود، لیکن وجهه و چهره ملی یافت و از حالت محلی و ملی هم پا فراتر گذاشته و انعکاس رسانه‌ای جهانی هم بر آن مترتب شد.

فروریزی متروپل در بوته قضاوت ۱- سرانجام به یک پدیده پر نماد تبدیل شد: ۱- نماد تاریکخانه فساد اداری. ۲- نماد احاله شدن و فضاقت پدیده کارشناسی و ناکارآمدی امر نظارت. ۳- کاستن از وجدان کاری پرسنل اجرایی ۴- انتصاب‌های با تخصص غیر مرتبط و بعضاً عاری از تخصص واقعی!

متروپل محصول چه رویکردی است؟ ۱- اما متروپل محصول چه رویکردی است؟ مقاصب متروپل، مظهر خودزنی ملی و سرمایه‌سوزی ناشی از خودشیفتگی در مدیریت‌ها و به‌ویژه امضاهای طلایی ارزیابی می‌گردد. مبادی صدور مجوز و نظریه تخصصی و کارشناسی و نظارت، مربوط به پروژه‌های متروپل، سد مخرب گنوند، پتروشیمی مبارک‌کاله، تملک شخصی و فروش جنگل ملی چند هزارساله هیرکانی واقع در شمال، مجوزات سد مارون ۲ و سد فاجعه‌آمیز چمشسیر کهگیلویه (کیی سد گنوند) و انتقال و غارت آب میان حوزه‌های با هفت کانال از سرچشمه‌های کارون مظلوم و خشک‌کردن دستوری هورالعظیم...

حاصل کمرنگ شدن اصول فنی مهندسی و سلب استقلال رای جایگاه مطالعات کارشناسی و جایگاه رای نظارت، کاهش وجدان کاری پرسنل و وجود مدیران با تخصص غیرمرتبط، هم‌زمان با هم تلقی می‌گردد، وقتی ساختار و شانیت اصول مهندسی در همه حوزه‌ها، سیاسی شده و تابع دستور، قدرت، رانت، منافع فردی و مافیاهی می‌شوند و شاخص انتصابات اداری در همه سطوح؛ ایدئولوژی، قومیت، سیاست و عدم شایسته‌سالاری است و ایضا درصد بالایی از مدیران سر جای خودشان نیستند، مثل رئیس محترم راه‌آهن ایران به نام معیاد صالحی که نه سابقه کاری در حوزه راه‌آهن دارد و نه تخصص مرتبط در این حرفه؛ النهایه نتیجه‌اش، سوانح پر تلفات و وقوع حادثه در بی حادثه و پرورش هزاران مافیای عبدالیاقی و پیدایش انواع فجایع پر مخاطره و مرگبار در آتیه است. به گفته لسان‌الغیب: «هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت.»

۳- اساساً از پیامدهای رکود تورمی و اقتصاد فروپاشیده و فروریختن وجاهت و سرمایه اجتماعی هر حاکمیتی، وقوع تسلسل بحران‌ها و تشدید تلفات انسانی ناشی از حوادث غیرمترقبه اهم از منشا انسانی یا منشأ غیرانسانی است.

۴- متأسفانه، ایران رتبه سوم و به تعبیری دیگر، رتبه ششم در جهان در عرصه درصد وقوع بلایا و مخاطرات طبیعی را دارد و اما مسجل شده است در انواع حوادث غیرمترقبه طبیعی، از ۳۳۳ نوع مخاطره زیان‌بار غیرانسانی (طبیعی)؛ ۳۲۲ نوع مخاطره همواره مهمان جغرافیا و اقلیم ایران بوده است. مثل زلزله، آتش‌فشان و فرونشست؛ ناشی از فرایندهای دینامیک درون زمینی و تگرگ، بهمین، رعدوبرق، خشک‌سالی، بوران، سونامی، سرما و گرمای غیرمتعارف و بیش‌از‌حد؛ متأثر از فرایندهای دینامیک برون زمینی. ایران یک درصد جمعیت دنیا را دارد ولی سه درصد تلفات انسانی ناشی از سوانح و بلاهای طبیعی را به خود اختصاص داده است. ۵- خاطر‌نشان می‌شود که تحقیقا و قیاساً در ایران و کشورهای هم‌تراز ایران، تلفات حوادث غیر مترقبه، شش برابر تلفات انسانی نسبت به کشورهای پیشرفته بیشتر است. به تفصیل گویاتر، شش برابر شانس زنده ماندن در ایران نسبت به قبه‌گاه‌های آقازاده‌ها کم‌تر است.

ادامه در صفحه ۵

پادداشت

دفاع از شریعتی در برابر دروغ‌پردازی

محمود درگاهی استاد دانشگاه

رژیم سیاسی یک کشور را تغییر دهد؟ بانک سید ابراهیم در اوایل کار قدری هم جامعه‌شناسی خوانده، اما گویا از ابتدایی‌ترین اصول آن‌هم اطلاعی ندارد و - مثل بسیاری از رده نویسان شریعتی - نمی‌داند که تغییرات اجتماعی را انبوهی از عوامل و انگیزه‌ها فراهم می‌آورند و نه یک‌تن به‌تنهایی! سال‌ها پیش از آنکه شریعتی سخنرانی در ارشاد را آغاز کند، همه عرصه‌های فکری-اعتقادی جامعه ایران آتش زیر خاکستر بود. هم دانشگاه در فضایی ملت‌ب و نارام فرورفته بود، هم بازار، هم حوزه، هم افشار سنتی علیه وضع موجود می‌کوشیدند، هم انبوهی از افشار تحصیل کرده و غیر سنتی، هم ادبیات و شعر و داستان و ترجمه و حتی ادبیات کودکان، رویاروی رژیم ایستاده بود، هم منبر و مسجد و غیر آن! این آتش زیر خاکستر حداقل از نیم‌قرن پیش از شریعتی و از روزهایی مانده بود که آرمان‌های مشروطه و بعدازآن نهضت ملی، لگدکوب کودتاگران شد و مردم ایران این وهن تاریخی را تبدیل به‌نوعی خاطره قومی کردند و آن را سال‌به‌سال با خود کشیدند و تا استانه انقلاب سال ۵۷ آوردند و آنگاه انتقام آن را یکجا از کودتاگران گرفتند. در این ماجرای ریشه‌دار و دورودراز، شریعتی فقط یکی از تأثیر گذاران بود و تردیدی نیست که این اتفاق در نبود شریعتی هم - دیر یا زود - پیش می‌آمد، اما در شکلی دیگر، یعنی قدری سنتی‌تر؛ و تأثیر شریعتی در آن، جز تزریق تواندیشی و روشنفکری چیزی نبوده است که آن‌هم در سال‌های بعد، اندکان‌اندک از اندیشه حاکم زده‌ده شد و البته، هر چه بود، نگاه به دین را در ایران معاصر تغییر داد!

اسما در تعبیری دیگر ریشه قضایا از این هم دورتر می‌رود و آن اینکه روحانیت شیعه، چند صدسال ثنوری حکومت اسلامی پرداخته است و در حقیقت از همان سال‌هایی که به غیبت کبری شناخته می‌شود، سران تشیع طرح حکومت ریخته‌اند و به‌تدریج آن را تئوریزه کرده‌اند. انسان حکومت حقیقی را از آن امام غایب دانسته‌اند و خود را نایب او و در نتیجه، صاحب اصلی آن؛ و چون در دوره‌های آغازین غیبت، امکان دست یافتن به حکومت برای آنان وجود نداشته، آن را به دوره‌های بعد و به هنگام فراهم شدن شرایط لازم انتقال داده‌اند. در دوره‌های بعد نیز، هرگاه شرایط گسترش تفکر شیعی فراهم آمده و قدرت‌های سیاسی گرایش‌های شیعی نشان داده‌اند، روحانیت شیعه زمامداران سیاسی را گماشتگان خود دانسته و حکومت آنان را وکالت از خود و در نتیجه مشروع شمرده‌اند. این نکته‌های بدیهی را هر کس که قدری با تاریخ ایران آشنا باشد، خواهد دانست. همچنین که حتی مورخان غربی هم آن‌ها را دیده و نشان داده‌اند. از آخرین نوشته‌هایی که به بررسی حکومت و سیاست در اسلام پرداخته، نوشته‌ای است از آنتونی بلک با نام اندیشه سیاسی در اسلام. بلک می‌نویسد که فقیهان شیعه «تمام مناصب و شئون اعتباری امام را برای فقیه ثابت شمرده‌اند.» (بلک، ۲۱۸) و «اداره کشور را از وظایف حتمی فقها و نواب اسلام در عصر غیبت دانسته‌اند.» (همان، ۲۶۵) و حتی با همه حمایتی که از مشروطه کرده‌اند؛ «آن را نوعی غصب مقام امام خوانده‌اند.» (همان، ۲۶۳) البته برای ما همه این‌ها بدیهیاتی است که شکل کامل‌ترش را در نوشته‌هایی مانند تنزیه الامه دیده‌ایم و نیازی به روایت از امثال بلک نیست، اما انسان وقتی این‌گونه نوشته‌ها را در برابر نوشته‌های امثال سید ابراهیم می‌گذارد، از بی‌سوادی روشنفکران وطنی احساس سرافکنندگی می‌کند!

ادامه در صفحه ۵

می‌گویند که سید ابراهیم نبوی شش‌ماهه به دنیا آمده است، این است که همیشه در هر کاری عجله می‌کند. مثلاً وقتی که می‌خواست رشته تحصیل دانشگاهی خود را انتخاب کند، روی شهرتی که جامعه‌شناسی در آن سال‌ها پیدا کرده بود و نیز به گمان اینکه شریعتی هم جامعه‌شناسی خوانده است، با عجله و بی‌هیچ پرس‌وجویی رشته جامعه‌شناسی را انتخاب کرده بود؛ در حالی که اگر عجله نمی‌کرد و از خود شریعتی می‌پرسید یا حتی قدری با تفکر او آشنایی داشت، می‌دانست که شریعتی در یک جلسه گفت‌وگو که نوار آن تکثیر و پخش شده بود، به انتقاد از جامعه‌شناسی دانشگاهی پرداخته و آن را دانشی خام و حتی بی‌فایده خوانده است! او در این گفت‌وگو، مخاطبان خود را از تحصیل در جامعه‌شناسی بر حذر می‌دارد و می‌گوید که بعضی‌ها به گمان اینکه من جامعه‌شناسی خوانده‌ام، روی به این رشته آورده‌اند.

سید ابراهیم بی‌خبر از این ماجراها و فقط به اشتیاق شبیه شدن به شریعتی، به تحصیل در جامعه‌شناسی روی آورد؛ اما وقتی که در سال‌های بعد از انقلاب، به دلیل وضعیت پیش‌آمده، هجوم گسترده‌ای علیه شریعتی آغاز شد و ستاره اقبال جامعه‌شناسی هم افول کرد، سید ابراهیم باز هم عجله کرد و بی‌هیچ تدبیر و تأملی، با شریعتی و جامعه‌شناسی قهر کرد و با شتاب پاشنه‌ها را کشید و راهی دیگر در پیش گرفت و قصد آن کرد که رشته آبرومندتری را انتخاب کند. در همین روزها بود که به سراغ پیر پرتجرب‌های رفت که همه چیز را در خشت خام می‌دید و سید ابراهیم خواست که راز این کشف و کرامات را از او بیاموزد و غفلت‌های گذشته را جبران کند و پس‌ازآن او هم همه چیز را در خشت خام ببیند! (ر.ک: خشت خام، گفت‌وگوی سید ابراهیم با احسان نراقی) با این وصف قرینه‌ها نشان می‌دهد که او در این کار هم سرخورده و ناکام ماند و از خشت خام نراقی هم آبی برای او گرم نشد، در نتیجه روی از او هم برگردانید تا باز هم سراغ یک مشغولیت نان و آبدارتری را بگیرد و قید هر گونه فکر و اندیشه و کشف و کرامات را یکجا بزند! و آن‌گونه که فرجام کار او نشان می‌دهد، سرانجام سر از استنداپ درآورده است.

در مطالبی که او علیه شریعتی نوشته، جز پرآکنده‌گویی و آشفته نویسی چیز دیگری دیده نمی‌شود؛ نه طنز دارد و نه یک حرف جدی. افزون بر این، نوشته‌اش نشان می‌دهد که سید ابراهیم نه از اندیشه و آثار شریعتی اطلاعی دارد و نه از آن چیزهایی که در نوشته خود برشمرده است! و این رطب و یابس‌ها چیزی نیست جز تخلیه کینه و ترکاندن بغض! با این وصف آن‌جاکه ممکن است دروغ‌های بی‌پایه آن برای مخاطبانی که با اندیشه و آرای شریعتی آشنایی ندارند، ناشناخته بماند؛ لازم است که روی برخی از آن‌ها قدری تأمل کنیم.

۱- سید ابراهیم با اشاره به وضعیت پیش‌آمده در ایران بعد از انقلاب، می‌گوید که شریعتی جامعه ایران را چندین قرن عقب برده است و همین یک ادعا بی‌اطلاعی او را از تاریخ ایران و ریشه‌های انقلاب و نیز گستره اندیشه‌های انقلابی در دهه‌های پیش از انقلاب، نشان می‌دهد. شریعتی چگونه توانست یک‌تنه